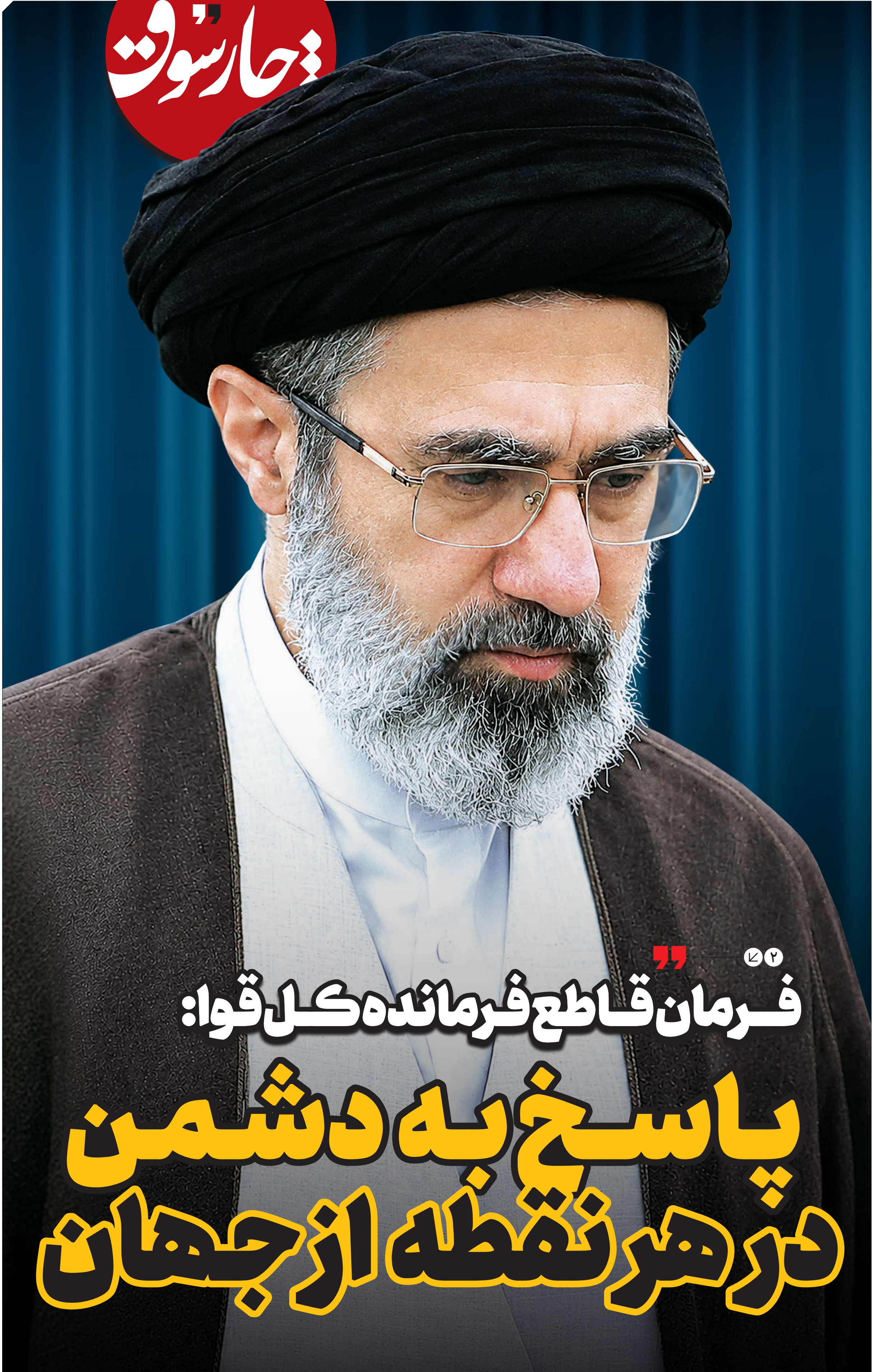




نیض اقتصاد
را در دست بگیرید



فرمان قاطع فرمانده کل قوا:
پاسخ به دشمن
در هر نقطه از جهان

فرمان قاطع فرمانده کل قوا:

پاسخ به دشمن در هر نقطه از جهان

خبر

داخلی آن‌ها دانستند و اضافه کردند: حضور هشت ماههٔ

ملت مبعوث در میادین، امتدادبخش دفاع مقدّس هشت ساله است که به موازات پایمردی نیروهای نظامی، انتظامی و بسیجی، از تمامیت سرزمینی ایران

و نظام اسلامی حفاظت کرده است و خواهد کرد. رهبر معظم انقلاب اسلامی، با قدردانی از استواری هوشمندانهٔ جبههٔ مقاومت در کشورهای مختلف، وحدت

ساحات را متغیّری تعیین کننده با تأثیر راهبردی در شکل دهی به نظم جدید سیاسی و امنیتی در غرب آسیا دانستند و ابراز امیدواری کردند این نظم جدید

زمینهٔ روزافزون اتحاد ملت‌ها و دولت‌های اسلامی را برای شکل‌گیری تمدّن نوین اسلامی فراهم کند. سردار سرلشکر عبداللهی، رئیس ستاد کل نیروهای

مسلّح، امیر سرلشکر حاتمّی، فرمانده کل ارتش، و سردار سرلشکر وحیدی، فرمانده کل سپاه پاسداران

انقلاب اسلامی، در دیدار با فرمانده کل قوا، ضمن ارائهٔ گزارش‌هایی از وضعیت آمادگی مدافعان کشور در سواحل خلیج فارس، مناطق عملیاتی تنگه هرمز،

دریای عمان و مرزهای شمال غرب و جنوب شرق کشور، گزارشی نیز از تولید چندبرابری انواع مہمات و سلاح‌های شناسایی، پشتیبانی و رزمی به استحضار

ایشان رساندند. فرمانده کل قوا، ضمن اظهار خرسندی از فعالیت‌های انجام‌شده، از فرماندهان ارشد نظامی خواستند مراتب

تشکر و رضایت‌ایشان را به اطلاع کلیهٔ نیروهای نظامی، انتظامی، بسیجی و کارکنان این سازمان‌ها و وزارت

دفاع و خانواده‌های معرّزشان برسانند.



صدور پروانه‌های ساختمانی به کمترین سطح ۱۰ سال اخیر رسید

رئیس کمیسیون اصل نود مجلس با اشاره به کاهش ۲۵.۵ درصدی صدور پروانه‌های ساختمانی و افت ۱۵ درصدی واحدهای مسکونی تکمیل‌شده در سال ۱۴۰۴، نسبت به تشدید کمبود عرضه مسکن در سال‌های آینده و عقب‌ماندگی از اهداف برنامه هفتم توسعه هشدار داد.

حجت‌الاسلام نصرالله پژمان‌فر با اشاره به اهداف برنامه هفتم توسعه برای رونق بخشی به عرضه مسکن، گفت: در این برنامه تکالیف مشخصی برای افزایش ساخت‌وساز و توسعه ظرفیت‌های سکونتگاهی تعریف شده است. یکی از محورهای اصلی این تکالیف، افزایش دو دهم درصدی مساحت‌های سکونتگاهی است که باید طی پنج سال، مجموعاً ۳۳۰ هزار هکتار (به‌طور میانگین سالانه ۶۶ هزار هکتار) به این ظرفیت‌ها افزوده شود. رئیس کمیسیون اصل نودم قانون اساسی افزود: این در حالی است که تا پایان سال سوم برنامه، باید ۱۹۸ هزار هکتار به مساحت سکونتگاهی اضافه می‌شد اما بررسی آمارهای رسمی دولت نشان می‌دهد که نه تنها این اهداف در حوزه تأمین زمین محقق نشده، بلکه شاخص‌های ساخت‌وساز و صدور پروانه‌ها نیز روند نزولی شدیدی داشته است.

کاهش ۱۵ درصدی واحدهای تکمیل‌شده

وی با استناد به داده‌های بانک مرکزی، وضعیت نگران‌کننده بخش خصوصی در مناطق شهری را تحلیل و تصریح کرد: تعداد واحدهای مسکونی تکمیل‌شده توسط بخش خصوصی در سال ۱۴۰۴ به حدود ۳۱۷ هزار واحد رسیده است؛ در حالی که این رقم در سال ۱۴۰۳ حدود ۳۷۴ هزار واحد بود. این کاهش ۱۵ درصدی، اولین نشانه جدی از تضعیف عرضه ارضی و عملیاتی مسکن در کشور است.

رکورد ۱۰ ساله در افت صدور پروانه ساختمانی

نماینده مردم مشهد و کلات در مجلس با اشاره به آمارهای مرکز آمار ایران اعلام کرد: تعداد پروانه‌های ساختمانی صادر شده در مناطق شهری در سال ۱۴۰۴ به ۱۰۶ هزار و ۱۳۵ فقره رسیده، در حالی که در سال ۱۴۰۳ این رقم ۱۲۲ هزار و ۴۶۳ فقره بوده است. حجت‌الاسلام پژمان‌فر تأکید کرد: تنها در فاصله یک سال، صدور پروانه‌های ساختمانی با ۲۵.۵ درصد کاهش مواجه شده و به پایین‌ترین سطح خود در ۱۰ سال اخیر رسیده است.

بحران عرضه در سال‌های پیش‌رو

وی هشدار داد: از آنجا که صدور پروانه ساختمانی یک شاخص پیش‌بین است، افت شدید فیلکی یا وقفه زمانی متجربه کاهش شدید تر تعداد واحدهای مسکونی در سال‌های آتی خواهد شد. تلاقی کاهش واحدهای تکمیل‌شده و سقوط صدور پروانه‌ها، پیش‌بینی می‌کند که عرضه مسکن در آینده‌ای نزدیک با وضعیتی نامطلوب روبرو شود و فاصله عملکرد دولت با اهداف برنامه هفتم توسعه بیش از پیش عمیق گردد. با توجه به اینکه صدور پروانه ساختمانی یک شاخص پیش‌بین است و وضعیت تولید مسکن در سال‌های آینده را تعیین می‌کند، کاهش شدید این شاخص در کنار افت تعداد واحدهای تکمیل‌شده، یک هشدار جدی است. تداوم این روند به این معناست که در سال‌های پیش‌رو، عرضه مسکن با وقفه زمانی اما به شدت کاهش خواهد یافت و فاصله میان تقاضای خانوارها و عرضه واقعی، وضعیت نامطلوب و بحرانی‌تری را در بازار مسکن ایجاد خواهد کرد.

اختلال تنگه هرمز، شاخص کرایه نفتکش‌ها را به دادگاه کشاند

آثار اختلال در تنگه هرمز به افزایش قیمت نفت و هزینه حمل محدود نمانده و اعتبار شاخصی که مبنای قیمت‌گذاری و تسویه قراردادهای نفتکش هاست نیز موضوع دعوی حقوقی شده است. شرکت تجارت انرژی مرکوریا در دادگاه لندن، ادامه انتشار شاخص کرایه مسیر خلیج فارس به چین را زیر سؤال برده و با التیك اسکنجج از اعتبار آن دفاع می‌کند. این پرونده نشان می‌دهد بحران در یک گذرگاه انرژی چگونه به قراردادهای و ابزارهای مالی مرتبط با تجارت جهانی سرایت می‌کند. رسیدگی به اختلال مرکوریا و بالتیك اسکنجج در شرایطی آغاز شده که اختلال در تردد نفتکش‌ها، ارزیابی هزینه حمل از خلیج فارس را دشوار کرده است. موضوع اصلی دعوا، شاخص TD3C است؛ معیاری برای حمل نفت خام با نفتکش‌های بسیار بزرگ از رأس تنوره عربستان به نیجنگیو چین که مسیر آن از تنگه هرمزی گذر.

این شاخص صرفاً گزارشی از وضعیت بازار نیست. بخشی از قراردادهای اجاره نفتکش و معاملات مالی مرتبط با کرایه حمل به آن متصل‌اند؛ بنابراین تغییر عدد شاخص می‌تواند تعهدات مالی طرف‌های قرارداد را تغییر دهد، حتی اگر خودشان در همان روز محموله‌ای جابه‌جا نکنند.

اختلاف بر سر اعتبار قیمت در بازار مختل‌شده

استدلال مرکوریا این است که پس از آغاز جنگ و اختلال شدید در تنگه هرمز، شاخص دیگر نماینده قابل اتکایی از بازار مورد سنجش نبوده است. این شرکت در مرحله کنونی پرونده، خواهان بی‌اعتبار شدن ارزیابی‌های شاخص از اوایل مارس و تعلیق آن است.

مسئله از نگاه شاکي، صرفاً بالا بودن کرایه نیست؛ پرسش این است که وقتی سفرهای منطبق با مشخصات معیار به‌شدت محدود می‌شوند، آیا ارزیابی منتشرشده همچنان مبنای معتبری برای قراردادهای شرکت مرکوریا در استدلال‌های خود به‌تردیدهای برخی مشارکت‌کنندگان در تهیه شاخص نیز استناد کرده است. بالتیك این ادعاها را رد می‌کند. دفاع آن بر این پایه استوار است که با وجود اختلال، ارزیابی ریسک و هزینه حمل همچنان امکان‌پذیر بوده و انتشار شاخص مطابق تعهدات قانونی و قراردادی ادامه یافته است. از نگاه بالتیك، مشکل مرکوریا به تعهدات مالی وابسته به شاخص و مدیریت ریسک آن‌ها مربوط می‌شود. این‌ها مواضع طرف‌های دعواست و نباید به عنوان نتیجه دادگاه تلقی شود.

اهمیت پرونده به نقشی بازمی‌گردد که شاخص‌های حمل در پیوند بازار واقعی و معاملات مالی دارند. قراردادهای مالی کرایه حمل به فعالان امکان می‌دهند در برابر تغییر نرخ‌ها پوشش ریسک بگیرند یا بر جهت حرکت آن‌ها معامله کنند. تسویه این قراردادها به یک مرجع قیمت مورد قبول نیاز دارد. اگر اعتبار آن مرجع محل اختلاف شود، مسئله از هزینه یک سفر فراتر می‌رود: مبنای محاسبه سود و زیان و تعهدات قراردادهای متعدد زیر سؤال می‌رود. به همین دلیل، درخواست بی‌اعتبار کردن شاخص برای دوره گذشته، می‌تواند پیامدهایی برای قراردادهای وابسته به آن داشته باشد. در مقابل، توقف انتشار شاخص نیز تصمیم ساده‌ای نیست. قراردادهایی که از قبل به آن متصل شده‌اند، همچنان به مبنایی برای اجراء تسویه نیاز دارند. بحران تنگه هرمز، این تعارض را آشکار کرده است: حفظ تداوم یک مرجع قیمت‌گذاری، در شرایطی که قابلیت آن برای نمایش واقعیت بازار محل مناقشه شده است.



گسترش چشمگیر قراردادها و استقبال بی‌نظیر بخش خصوصی

روند جذب و توسعه فعالیت شرکت‌های کارور با شتاب مطلوبی در سراسر کشور ادامه دارد. تاکنون ۸۵ شرکت متقاضی موفق به دریافت اعتبار موقت فعالیت کاروری گاز شده‌اند که این اقدام گامی مهم در مسیر توسعه فعالیت شرکت‌های کارور در حوزه بهینه‌سازی مصرف گاز طبیعی و تسريع در اجرای طرح‌های کاهش مصرف به شمار می‌رود. علاوه بر این، تا این لحظه ۸۸ قرارداد میان شرکت‌های گاز استانی و شرکت‌های کارور در ۲۹ استان کشور منعقد شده است. با توجه به استقبال چشمگیر بخش خصوصی از قراردادهای نوع ۲ و وجود شوق مالی و قانونی مناسب، روند انعقاد قراردادها همچنان در حال افزایش است و چشم‌انداز روشنی برای پوشش سراسری این طرح در اقصی نقاط کشور ترسیم شده است. این آمارها بیانگر اعتماد متقابل میان حاکمیت و فعالان اقتصادی غیردولتی است.

صرفه‌جویی ۹۸۰ میلیون مترمکعبی؛ دستاورد بزرگ تا پایان سال جاری

یکی از برجسته‌ترین و ملموس‌ترین دستاوردهای پیش‌بینی‌شده در این طرح، حجم عظیم صرفه‌جویی انرژی است که آثار مثبت آن مستقیماً در پایداری شبکه گاز کشور نمایان خواهد شد. به گفته معاون وزیر نفت در امور گاز، بر اساس برآوردهای دقیق کارشناسی و طرح‌های در دست اجرا، در صورت اجرای کامل برنامه‌های پیش‌بینی‌شده از سوی شرکت‌های کارور، تا پایان سال جاری حدود ۹۸۰ میلیون مترمکعب گاز طبیعی در کشور صرفه‌جویی خواهد شد. این رقم چشمگیر، نقش بسیار مؤثری در بلندمدت منتفع می‌شوند؛ مدلی کارآمد که منافع دولت، بخش خصوصی و مصرف‌کنندگان را به‌طور همزمان تأمین سال ایفا خواهد کرد.



این مجموعه‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در ممیزی انرژی، اصلاح تجهیزات احتراقی، نصب سیستم‌های کنترل هوشمند، عایق‌کاری حرارتی موتورخانه‌ها و ارتقای بهره‌وری در صنایع و ساختمان‌ها بر عهده دارند. شرکت‌های کارور در واقع به عنوان بازوان اجرایی تخصصی عمل می‌کنند که با پایش مستمر و هوشمند مصرف، اطمینان حاصل می‌کنند که کاهش مصرف به‌صورت پایدار و قابل اندازه‌گیری رخ دهد. نکته حائز اهمیت در این مدل مشارکتی این است که شرکت‌های کارور از محل ارزش گاز صرفه‌جویی‌شده

در بلندمدت منتفع می‌شوند؛ مدلی کارآمد که منافع دولت، بخش خصوصی و مصرف‌کنندگان را به‌طور همزمان تأمین کرده و یک ساختار کاملاً برد-برد ایجاد می‌نماید.

وزارت نفت و شرکت ملی گاز ایران با تدوین دستورالعمل‌ها و بسته‌های کاری متنوع، بستر لازم را برای ورود شرکت‌های واجد صلاحیت به این عرصه فراهم کرده‌اند تا فرآیند بهینه‌سازی در بخش‌های مختلف با سرعت و دقت بیشتری دنبال شود. این رویکرد ساختاری نشان‌دهنده اراده جدی صنعت گاز برای بهره‌گیری از سرمایه‌ها و تخصص‌های غیردولتی در راستای غلبه بر ناترازی‌های فصلی است.

نقش کلیدی شرکت‌های کارور در مدیریت و پایش مصرف

سعید توکلی، معاون وزیر نفت و مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران، با تأکید بر جایگاه ویژه شرکت‌های کارور تصریح کرد که

جایگزینی پرهزینه نفت خلیج فارس برای چین

حسین هدایتی

اختلال در عرضه نفت خلیج فارس، رقابت با لایشگاه‌های چین برای خرید نفت جایگزین را تشدید کرده و به فروشندگان روسی امکان داده است برای برخی محموله‌های نفت ESPO، قیمت‌هایی بیش از ۳۰ دلار بالاتر از برنت پیشنهاد کنند. همه این پیشنهادها به معامله تبدیل نشده و نشانه‌هایی از کاهش فشار قیمت نیز دیده می‌شود؛ اما تحولات بازار نشان می‌دهد دسترسی به مسیرهای خارج از تنگه هرمز، لزوماً به معنای تأمین نفت با هزینه پیشین نیست.

فروشندگان نفت ESPO که از شرق دور روسیه به بازار آسیا عرضه می‌شود، برای محموله‌های تحویل اواخر دسامبر و ژانویه، اضافه‌قیمتی بیش از ۲۵ دلار به‌ازای هر بشکه نسبت به قرارداد مرجع برنت پیشنهاد کرده‌اند. در گزارش ۲۳ اکتبر رویترز، دو پیشنهاد بالاتر از ۳۰ دلار نیز برای تحویل در چین مطرح شده است.

این ارقام قیمت پیشنهادی فروشندگان است و نباید آن‌ها را نرخ قطعی خرید همه پالایشگاه‌های چین دانست. با این حال، منابع تجاری از معامله یک پالایشگاه مستقل بزرگ برای محموله‌های نوامبر و دسامبر با اضافه‌قیمت ۲۶ تا ۲۸ دلار خبر داده‌اند. برخی خریداران نیز تمایل خود را به پرداخت حدود ۲۰ دلار اعلام کرده‌اند؛ فاصله‌ای که نشان می‌دهد فروشندگان در حال آزمودن توان پذیرش قیمت‌های بالاتر هستند.

رقابت برای نفتی که از تنگه هرمز عبور نمی‌کند

مزیت نفت شرق دور روسیه برای چین، مسیر کوتاه حمل بی‌نیاز آن از عبور از تنگه هرمز است. اما عرضه این نفت نامحدود نیست. وقتی خریداران بیشتری برای جایگزینی محموله‌های در معرض اختلال به یک بازار مراجعه می‌کنند،

موجود. تأمین نفت گران‌تر می‌تواند حاشیه سود را کاهش دهد و ناتوانی در خرید نیز خطر کاهش تولید را به همراه دارد.

اضافه‌قیمت برنت، معادل هزینه جایگزینی نیست

اضافه‌قیمت ۲۵ یا ۳۰ دلاری ESPO نسبت به برنت را نمی‌توان مستقیماً هزینه جایگزینی هر بشکه نفت فارس نامید. برای چنین مقایسه‌ای باید قیمت نفت قبلی، کیفیت آن، زمان تحویل و هزینه حمل هر دو محموله مشخص باشد.

اهمیت این ارقام در نشان دادن قدرت قیمت‌گذاری عرضه‌کنندگان جایگزین است. همچنین بخش مهمی از نفت خاورمیانه با شاخص دبی قیمت‌گذاری می‌شود، درحالی‌که

پیشنهادهای مورد بحث ESPO به برنت متصل‌اند. بنابراین تمیزی فاصله این دو شاخص نیز بر مقایسه هزینه خرید اثر می‌گذارد.

این نمایانگر آن می‌شود که یک پیشنهاد گران قیمت برای چند محموله، به کل واردات نفت چین تعمیم داده شود. با این حال، افزایش هزینه در معاملات حاشیه‌ای می‌تواند انتخاب پالایشگاه‌ها و رقابت برای سایر نفت‌های موجود را تحت تأثیر قرار دهد.

بازگشت عرضه، قدرت فروشندگان را محدود می‌کند

روند قیمت‌ها یک‌طرفه نبوده است. گزارش ۱۲۶ اکتبر کومرسانت، به نقل از داده‌های بازار اس اند پی گلوبال، از کاهش اضافه‌قیمت ESPO تحویلی شاندونگ به حدود ۲۰ دلار تا ۲۳ اکتبر خبر می‌دهد. بهبود عرضه نفت خاورمیانه از عوامل این کاهش عنوان شده است.

همین گزارش، برآورد ورتکسا از محموله‌های نفت خاورمیانه به مقصد چین، بدون احتساب ایران، را برای اکتبر حدود ۴.۵ میلیون بشکه در روز اعلام می‌کند؛ نزدیک به میانگین ۴.۷ میلیون بشکه‌ای سال ۲۰۲۵. این رقم برآورد محموله‌های ارسال‌شده است و نباید آن را به معنای رفع کامل اختلال یا عادی شدن همه مسیرها دانست.

تجربه چین نشان می‌دهد تنوع تأمین‌کنندگان، امکان ادامه خرید را افزایش می‌دهد، اما مصونیت از شوک قیمت ایجاد نمی‌کند. جایگزینی نفت خلیج فارس به‌ظرفیت عرضه دیگر تولیدکنندگان، دسترسی پالایشگاه‌ها و هزینه حمل وابسته است. هرچه عرضه منطقه محدودتر شود، گزینه‌های بیرون از آن ارزش بیشتری پیدا می‌کنند؛ با بازگشت محموله‌های خلیج فارس نیز قدرت فروشندگان جایگزین برای مطالبه قیمت‌های بالاتر کاهش می‌یابد.



گزارش

محمدامین حقگو

پروهنگر اقتصادی

با عبور مصرف روزهانه بنزین از ۱۴۰ میلیون لیتر در روزهای اوج تابستان و افزایش فشار بر منابع انرژی کشور، دولت از ۱۷ شهریور با تغییر نرخ سوخت مازاد، حفظ سهمیه‌های بارانه‌ای و ساماندهی کارت‌های سوخت، مسیر مهار مصرف و کاهش وابستگی به واردات بنزین را دنبال کرد؛ سیاستی که به گفته مسئولان، با کاهش مصرف و تقویت استفاده از کارت‌های شخصی همراه شد. بنزین در زندگی روزمره ما ایرانیان هرگز یک مایع نفتی ساده نبوده است. این سوخت زلال با نبض بازار، کرایه هر روزه تاکسی و حتی آرامش روانی خانواده‌ها پیوند دارد. سال‌ها هر وقت سخن از تغییر در سازوکار توزیع آن به میان می‌آمد، دل‌شوره‌ای همگانی شکل می‌گرفت؛ چراکه خاطره تصمیم‌های ناگهانی و پرهزینه در حافظه جمعی نشسته بود. تجربه‌های سال‌های دور و نزدیک به روشنی آموخته بود که معیشت عمومی تاب نكته‌های بی مقدمه را ندارد.

با این حال، تابستان گذشته کشور بر سر یک دوراهی سرنوشت‌ساز ایستاد. با باید ذخایر حیاتی انرژی کشور در این گیرودار تحریم‌ها صرف خرید سوخت از آن سوی آب‌های شد با باید تری درون را وسنجیده ترمزاین مصرف افسارگسیخته را می‌کشید؛ تدبیری که از اواخر تابستان به میدان آمد و نشان داد می‌توان با ترکیب آرام حساب و کتاب اقتصادی، شفافیت داده‌ها و همراهی مردم، راهی امین دل‌ان کلاف‌پچیده گشود.

بیه رنگه واردات در تب تابستان

برای لمس حساسیت ماجرا باید گرمای تیرو مرداد گذشته را به یاد آورد. کرامت‌ویس گرمی، مدیرعامل شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی اعلام کرد‌توان تولید روزهانه پالایشگاه‌های کشور با در نظر گرفتن سوخت‌های اختلافی نزدیک ۱۲۱ میلیون لیتر است. درست در همان روزه‌ها، میانیکن مصرف به بالای ۱۲۹ میلیون لیتر پیر کشید و در روزه‌ای شلوغ تعطیلات و سفر، ارقام بازگردندی ۱۳۵ تا ۱۴۷ میلیون لیتر بر صفحه نمایشگر جایگاه‌ها نقش بست. این شگاف ۲۶ میلیون لیتری در اوج روزه‌ای سفر، هشداری آشکار برای امنیت انرژی کشور بود.

چاره‌جویی برای این فاصله خطرناک، کار آسانی نبود. ادامه حرکت در همان مسیر دوراه بیشتر پیش پای تصمیم‌گیران نمی‌گذاشت؛ مصرف بی‌وقفه ذخایر انبارهای راهبردی با بیرون کشیدن ارز از خزانه برای خرید بنزین خارجی. اختصاص منابع کمیاب انرژی به سوزاندن سوخت در خیابان‌ها، خطایی چشمگیر در محاسبات راهبردی به شمار می‌رفت. واردات سوخت، افزون بر قیمت جهانی، هزینه‌های سرسام‌آور نقل‌وانتقال مالی از کانال صراف‌ها، کرایه نفت‌کش‌ها و بیمه‌های پریسک دوران تحریم را به پودجه عمومی تحمیل می‌کرد. برای تأمین ادامه این وضعیت، نقطه ضعیفی آشکار برای امنیت اقتصادی کشور می‌ساخت. ایران به

عنوان سرزمینی که بر روی دریایی از نفت و گاز تکیه‌ده است، نباید حرکت چرخ‌های حمل‌ونقل خود را به اراده دل‌الان سوخت در بازارهای خارجی وابسته می‌کرد. از همین رودسوزان کشور دریافتند که انفعال به بن‌بست رسیده و باید نسخه‌ای هوشمندانه پیچیده شود. نسخه‌ای که مصرف مازاد را مهار کند و هم‌زمان زندگی خانوار را از تکانه‌های ناخواسته در امان نگه دارد.

تفکیک نیاز واقعی از اشتباهی اضافه

اصلاح اقتصادی زمانی با همراهی جامعه پیوند می‌خورد که طبقات مختلف مردم احساس کنند شرایط زندگی آنان دیده شده است، سیاستی که از هفدهم شهریورماه عملیاتی شد، دقیقاً همین اصل را مبنای قرار داد و از روش‌های شوک‌درمانی فاصله گرفت. بر پایه این طرح، سهمیه‌ای پایه که نیاز اصلی رفت‌وآمد عموم خانواده‌ها است، کاملاً دست‌نخورده باقی ماند. ۶۰ لیتر بنزین بارانه‌ای با قیمت ۱۵۰۰ تومان و ۵۰ لیتر سهمیه اعتباری با بهای ۳۰۰۰ تومان حفظ شد تا آسایش روزمره قشرهای

محترم‌تر کشور دچار لرزش نشود.

هدف این برنامه، الگوهای غیرمتعارف و مصارف پرحجم بود. از این رویه‌ای بنزین اضطراری موجود در جایگاه‌ها از ۵۰۰۰ تومان به ۱۰۰۰۰ تومان رسید. منطق حاکم بر این تغییر شفاف و باورپذیر بود؛ هرهم‌وطنی برای نیاز طبیعی خود از یارانه ارزان ملی برخوردار است اما کسی که می‌خواهد با رفت‌وآمدهای پرتکرار یا خودروهای پرشمار فراتر از سهمیه همگانی سوخت بسوزاند، هزینه آن را از سهمیه همگانی بخشاید.

علی‌رغم ۵ ویرایش میحت ۱۹ مقررات ملی ساختمان، اتلاف انرژی همچنان یکی از چالش‌های جدی مصرف‌گاز در کشور است.

اوایل دهه ۲۰ شمسی میحت ۱۹ مقررات ملی ساختمان با هدف بهینه‌سازی مصرف انرژی در ساختمان‌ها وارد فاز ویرایش شد. مقرراتی که قرار بود با تعیین الزامات فنی برای طراحی، ساخت و اجرای ساختمان‌ها از اتلاف انرژی جلوگیری کند و میزان مصرف انرژی را کاهش دهد.

میزان نیاز به سوخت و انرژی برای تأمین گرمایش، سرمایش و سایر مصارف ساختمانی را کاهش دهد. حدود ۳۵ سال از آغاز تدوین این میحت می‌گذرد و طی این مدت، پنج ویرایش از آن منتشر شده است. ویرایش‌هایی که با هدف به‌روزرسانی ضوابط و متناسب‌سازی الزامات فنی با شرایط و فناوری‌های جدید ساختمان‌سازی انجام شده‌اند.

اهمیت این مقررات زمانی بیشتر نمایان می‌شود که بدانیم ساختمان‌ها از مصرف‌کنندگان عمده انرژی در کشور هستند و کیفیت طراحی، مصالح مورد استفاده، عایق کاری دیوارها و سقف‌ها، نوع پنجره‌ها و عملکرد تأسیسات گرمایشی و سرمایشی، نقش مستقیمی در میزان مصرف انرژی دارند.

به بیان دیگر ساختمانی که بدون رعایت الزامات به‌روزی انرژی طراحی و ساخته می‌شود، برای تأمین سطح مشخصی از آسایش حرارتی به انرژی بیشتری نیاز دارد. این موضوع در مقیاس میلیون‌ها واحد مسکونی و تجاری، به افزایش مصرف گاز و برق و تشدید فشار بر زیرساخت‌های تأمین انرژی منجر می‌شود. با وجود این یک پرسش اساسی پس از نزدیک به ۳۵ سال مقررات‌گذاری همچنان مطرح است: میحت ۱۹ مقررات ملی ساختمان تا چه اندازه توانسته به هدف اصلی خود، یعنی کاهش واقعی مصرف انرژی در ساختمان‌های کشور، دست پیدا کند؟ آیا ۵ ویرایش این مقررات به بهبود محسوس کیفیت ساخت‌وساز و کاهش اتلاف انرژی منجر شده‌اند یا همچنان فاصله قابل توجهی میان الزامات مصوب و آنچه در ساختمان‌های کشور اجرامی می‌شود، وجود دارد؟

این پرسش‌ها در شرایطی اهمیت بیشتری پیدا می‌کنند که کشور با ناترازی انرژی و نگرانی درباره تأمین پایدار گاز در فصل سرد سال مواجه است.

آسیب‌های وارد شده به زیرساخت‌های تولید گاز در جریان جنگ تحمیلی سوم بر حساسیت این

عنوان سرزمینی که بر روی دریایی از نفت و گاز تکیه‌ده است، نباید حرکت چرخ‌های حمل‌ونقل خود را به اراده دل‌الان سوخت در بازارهای خارجی وابسته می‌کرد. از همین رودسوزان کشور دریافتند که انفعال به بن‌بست رسیده و باید نسخه‌ای هوشمندانه پیچیده شود. نسخه‌ای که مصرف مازاد را مهار کند و هم‌زمان زندگی خانوار را از تکانه‌های ناخواسته در امان نگه دارد.

اصلاح اقتصادی زمانی با همراهی جامعه پیوند می‌خورد که طبقات مختلف مردم احساس کنند شرایط زندگی آنان دیده شده است، سیاستی که از هفدهم شهریور تا یازدهم مهرماه، مصرف بنزین بر مقایسه با دوره مشابه سال قبل ۷ درصد فروکش کرد. دستاوردی واقعی که نشان داد ابزار قیمتی هدم‌فمند بدون اضطراب اجتماعی کارساز است.

بستن مسیر پنهان قاچاق سازمان‌یافته

گره گاز مصرف تنها در نرخ سوخت نبود، بخش مهمی از چالش‌ها در فضای مبهم توزیع ریشه داشت. سال‌ها کارت‌های اضطراری جایگاه‌ها راهی برای پنهان ماندن هویت مصرف‌کنندگان واقعی باز گذاشته بودند. عباس باصفا، مدیر سامانه هوشمند سوخت، اشاره کرده بود که در دوره‌های بین ۴۰ تا ۴۵ درصد سوخت‌گیری‌ها با همین کارت‌های جایگاه انجام می‌شد. در حالی که طبق مصوبات قانونی، ۹۵ درصد سوخت‌گیری خودروها باید با کارت شخصی انجام می‌گرفت و سهم کارت جایگاه نباید از ۵ درصد فراتر می‌رفت. کارت بی‌نام‌ونشان جایگاه با رمزی ساده در دست هگان می‌چرخید و سامانه نمی‌توانست تشخیص



پرونده واردات بنزین چگونه بسته شد؟

ده‌هزار تومانی به کارت‌های شخصی اضافه شد، مجموع سهمیه هر خودرو به ۱۶۰ لیتر رسید و پرونده کارت‌های سرگردان پمپ‌بنزین‌ها بسته شد. حاصل این شیوه در کرمان برپا بود. مصرف بنزین در این استان از ابتدای مرداد تا پایان شهریور ۲۵۰ جایگاه به پایانه‌های تازه مجهز شدند تا رانندگان برای دریافت سوخت اضطراری، کارت بانکی بکشند، هویت مصرف‌کننده ثبت شود و رمزیک با مصرف دریافت کنند.

تا بدین این نور ظناتی، روزه‌های عجیبی را آشکار کرد. بررسی سامانه‌ها نشان داد در موردی خاص، فردی توانسته بود با استفاده از غفلت گذشته، ۱۰۵ بار در یک جایگاه سوخت‌گیری کند و بالای ۲۰۰۰ لیتر بنزین تحویل بگیرد. در نمونه‌ای دیگر، راننده‌ای با گردش در ۳۸ جایگاه، ۹۸ بار رمز دریافت کرده و ۲۳۳۷ لیتر بنزین را که معادل سهمیه دو سال یک خودروی سواری معمولی است از شبکه خارج ساخته بود. این انضباط، مانع سوءاستفاده سودجویان شد و رمز نیاز واقعی شهروندان را با تخلف سازمان یافته روشن کرد.

نمره‌سپردن کلید مدیریت به دست مردم

تجربه این ندرگونی در سراسر جغرافیای ایران یکنواخت نبود و ابتکارهای منطقه‌ای درس‌های بزرگی برجا گذاشت. در حالی که تهران بر احراز هویت در کنار پمپ‌ها تکیه کرد، مدیران در استان کرمان راهی اعتمادمحور را در پیش گرفتند. آن‌ها به جای درگیر کردن سکو‌ها با دستگاه‌های اضافه، سهمیه نرخ سوم را مستقیماً در کارت سوخت خود مردم تعریف کردند. بدین ترتیب ۵۰ لیتر بنزین

مترمکعب سی‌ان‌جی در دسترس بود اما به دلیل بنزین بسیار ارزان، مصرف‌گاز به زیر ۱۵ میلیون مترمکعب سقوط کرده بود. با اعمال نرخ جدید بر مصرف مازاد، تمایل رانندگان به سوخت پاک برگشت. مصرف روزهانه سی‌ان‌جی از ۱۴ میلیون و ۷۰۰ هزار مترمکعب در مرداد به ۱۶ میلیون و ۷۰۰ هزار مترمکعب در پایان مهر رسید. این جهش ۱۴ درصدی نشان داد دارنده دومین ذخایر گاز دنیا می‌تواند ناوگان حمل‌ونقل خود را بر پایه مزیت‌های ملی تنظیم کند.

نجات ذخایر انرژی از چاه بی‌پایان واردات

بازتاب این دستاورد در سخنان ۲۶ مهرماه رئیس‌جمهور شنیده شد. مسعود پزشکیان با صراحت از بسته شدن پرونده واردات بنزین به پشتوانه همراهی عمومی سخن گفت. برآوردهای کارشناسی نشان می‌دهد ادامه روند پیشین می‌توانست سالانه تا ۱۲ میلیارد دلار فشار مالی بر دوش منابع انرژی کشور تحمیل کند. توقف این خروج سنگین سرمایه، تنفسی بزرگ برای بدنه اقتصاد ملی به همراه آورد و توان ارزی کشور را برای خرید داروها و کالاهای اساسی سفره مردم محفوظ نگه داشت.

بی‌نیازی از بنزین خارجی، مصداق روشن پدافند غیرعامل است. کشوری که باک خودروهایش به تصمیم ناوگان‌های دریایی و تحریم‌های بندری وابسته نباشد، پایه‌های استقلال خود را مستحکم می‌کند. در کنار این گام، شرکت ملی پخش مسیردیگری را برای عدالت در توزیع گشود.

حمید حبیبی، مدیران‌گانی این شرکت، از عرضه بنزین سوپر تولید پالایشگاه‌های ستاره خلیج فارس و شازنداراک با نرخ تمام‌شده ۱۰۳ تا ۱۰۴ هزار تومان برای هر لیتر پرده برداشت. با این تدبیر اختیاری، صاحبان خودروهای لوکس هزینه سوخت ویژه خود را می‌پردازند و دیگر رانلی از یارانه عمومی به کمک مصرف تجمعاتی ریخته نمی‌شود.

هشدارهایی برای جلوگیری از فرسایش اعتماد

هر برنامه تحلیلی و متصفانه موفق است دشواری‌های مسیر را با صراحت ببیند. نخستین گروای که در پایتخت پدیدار شد، معطلی رانندگان در جایگاه‌ها به دلیل زمان احراز هویت با کارت

”

بی‌نیازی از بنزین خارجی، مصداق روشن پدافند غیرعامل است. کشوری که باک خودروهایش به تصمیم ناوگان‌های دریایی و تحریم‌های بندری وابسته نباشد، پایه‌های استقلال خود را مستحکم می‌کند. در کنار این گام، شرکت ملی پخش مسیردیگری را برای عدالت در توزیع گشود

بانکی بود. این توقف ۳۰ ثانیه‌ای برای هر خودرو، کلافگی رانندگان ختم شد. برای برطرف کردن این دشواری، باید ثبت شناسه پیش از ورود به پمپ‌بنزین میسر شود و سازوکاری برای افرادی که ابزارهای هوشمند ندارند اندیشیده شود.

شفافیت در چرخه مالی این سازوکار نیز اعتماد عمومی را تحکیم می‌کند. توضیح درباره کارمزدها ۱۰۰۰ تومانی صدور شناسه و هزینه ۱۰۰۰ میلیارد تومانی تأیید دقیق مرکز افتا و پرهیز از دوباره‌کاری‌های اداری انجام شود.

فراموش نکنیم بخشی از پرمصرفی سوخت از کیفیت پایین خودروهای داخلی و کمبود ناوگان حمل‌ونقل عمومی ناشی می‌شود که باید به موازات اصلاحات توزیعی، فکری اساسی برای آن‌ها کرد.

نشتن ظلم صرفه‌جویی بر سر سفره خانواده

مردم ایران در ماه‌های اخیر با مدیریت هوشمندانه سفرهای خود نشان دادند خواهان حفظ منابع ملی هستند. اکنون نوبت تصمیم‌گیران است که ثمره این صرفه‌جویی ۱۱ میلیون لیتری و درآمد‌های حاصل از نرخ سوم را به شکلی ملموس به زندگی خانواده‌ها بازگردانند. دولت در گام نخست، اعتبار کالبرگ الکترونیک را در اوایل آبان‌ماه برای حدود ۳۵ میلیون و ۱۳۰ هزار نفر با افزایش ۵۰۰ هزار تومانی به یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان رساند. این اقدامی است که می‌تواند پلوندان با دستاوردهای طرح بنزین باید به روشنی برای مردم تشریح شود تا شیرینی این همراهی ملی احساس کرد.

قانون برنامه هفتم پیشرفت نیز چشم‌اندازی نویدبخش در اختیار مدیریت کشور قرار داده است. مصداق‌های قابل‌توجه، رئیس‌مجلس اشاره به لزوم صرفه‌جویی انرژی به ظرفیت ماده ۱۴۶ قانون پرداخت. طبق این ماده، شهروندانی که در مصرف انرژی صرفه‌جویی کنند، اوراق گواهی بهره‌وری انرژی دریافت می‌کنند. اوراقی که در بورس انرژی برای مالی دارد، برای پرداخت قروض معمر است و بنگاه‌های می‌توانند مالیات خود را با آن تسویه کنند. پیاده‌سازی این ابتکار در حوزه بنزین می‌تواند انگیزه مردم را برای مشارکت و پودندان کند.

تجربه چند ماه گذشته ثابت کرد جامعه ما تشنه تصمیم‌های مستعیده، آرام و صادقانه است. پیوند زدن منافع ملی به معیشت ملموس توده‌های مردم اساس پایداری سرمایه‌ای اجتماعی در نظام جمهوری اسلامی ایران است. اگر عواید حاصل از بستن پرونده واردات بنزین به شکل شفاف در بهبود درمان، توان خرید و ارتقای حمل‌ونقل عمومی هزینه شود، این فرمول آرام به الگویی ماندگار برای حل دیگر چالش‌های بزرگ اقتصاد ایران تبدیل خواهد شد.

این مردان اراده کرده‌اند؟ اگر مقررات اجرا شوند، چرا همچنان اتلاف انرژی ساختمان‌ها و بیماران را تهدید کند. کاهش شدید دمای ساختمان‌ها نیز ممکن است موجب یخ‌زدگی لوله‌ها، آسیب به تجهیزات و خسارت‌های گسترده به تأسیسات شود. اگر این وضعیت با خاموشی برق همراه شود، دشواری تأمین گرمایش، ارتباطات، خدمات عمومی و پشتیبانی از افراد آسیب‌پذیر افزایش خواهد یافت.

در چنین سناریویی، مدیریت بحران دیگر صرفاً بر عهده شرکت گاز یا وزارت نفت نیست. استانداری‌ها، شهرداری‌ها، وزارت بهداشت، وزارت نیرو، دستگاه‌های امدادی و سایر نهادهای مسئول باید دارای برنامه هماهنگ باشند. آیارای شناسایی و اولویت‌بندی ساختمان‌ها و مراکز حساس در شهرهای سردسیر و استمرار فعالیت آنها در شرایط محدودیت انرژی، برنامه مشخص و فرماندهی هماهنگ میان دستگاه‌های مسئول پیش‌بینی شده است؟

زمان صرفه‌جویی است

در شرایط فعلی، کاهش مصرف غیرضروری گاز یک ضرورت ملی است. هر میزان صرفه‌جویی واقعی در ساختمان‌ها می‌تواند به کاهش فشار بر شبکه و افزایش امکان تأمین انرژی بخش‌های حیاتی کمک کند. اما نباید فراموش کرد که میزان مصرف انرژی ساختمان‌ها صرف‌ناتوجه رفتار ساکنان نیست. ساختمان‌هایی که از عایق کاری مناسب برخوردار نیستند، پنجره‌هایی که اتلاف حرارت بالایی دارند، موتورخانه‌هایی که بدون کنترل صحیح کار می‌کنند و تجهیزات که با‌ذهی پایینی دارند، برای تأمین سطح یکسانی از آسایش به انرژی بیشتری نیاز خواهند داشت.

فلسفه تدوین میحت ۱۹ مقررات ملی ساختمان، مقابله با همین اتلاف انرژی بوده است. نزدیک به ۳۵ سال از آغاز تدوین این مقررات می‌گذرد و اکنون با پنج ویرایش از میحت ۱۹ مواجه هستیم. اما پریش اساسی آن است که چهار ویرایش گذشته تا چه اندازه در ساختمان‌های ساخته شده کشور اجرا شده‌اند و چه میزان صرفه‌جویی واقعی و قابل اندازه‌گیری ایجاد کرده‌اند؟

آیا دستگاه‌های مسئول تدوین، ابلاغ، اجرا و نظارت بر مقررات ملی ساختمان، گزارش جامعی از اثربخشی



آنها می‌تواند جان بیماران را به خطر بیندازد. این مراکز علاوه بر برق پایدار برای تجهیزات پزشکی به سامانه‌های گرمایش، تهویه آب، گرم و سایر تأسیسات حیاتی وابسته‌اند.

ژنراتورهای برق اضطراری نیز به تنهایی پاسخگوی هدف اصلی آن کاهش انرژی مورد نیاز ساختمان‌ها از طریق افزایش خواهد یافت. تأمین مدت کارکرد، ذخیره سوخت، وضعیت نگهداری و ظرفیت پشتیبانی از تجهیزات حیاتی در هر مرکز متفاوت است. همچنین تأمین برق اضطراری لزوماً به معنای امکان ادامه فعالیت نیست. در چنین شرایطی، سه موضوع اهمیت اساسی دارد: کفایت تجهیزات و سوخت پشتیبان، امکان استمرار فعالیت بخش‌های حیاتی و وجود برنامه عملیاتی برای انتقال بیماران در صورت گاز افتادن زیرساخت‌های بیمارستان‌ها. اما آیا وزارت بهداشت از این مستندی از آمادگی بیمارستان‌ها برای مواجهه با قطع طولانی گاز و برق درآورد؟ عملکرد تجهیزات پشتیبان و برنامه انتقال بیماران در مانورهای عملیاتی آزمایش شده است؟

بایمدهای قطع گسترده گاز می‌تواند بسیار فراتر از سرد شدن ساختمان‌های مسکونی باشد. نانوایی‌ها، مراکز نگهداری سالمندان، مراکز تولید و توزیع مواد غذایی، برخی تأسیسات خدمات شهری و مجموعه‌های درمانی، برای ادامه فعالیت به انرژی

یک صدها برابر هزار مشترک به‌طور گسترده قطع شده باشد. برای بازگرداندن ایمن گاز به این تعداد مشترک چه تعداد نیروی عملیاتی و چه میزان زمان و تجهیزات مورد نیاز است؟ آیا شرکت ملی گاز برای چنین سناریویی برآورد عملیاتی و برنامه مشخصی دارد و مردم تا چه اندازه از الزامات و محدودیت‌های وصل مجدد گاز پس از قطع گسترده اطلاع دارند؟ بخش مهمی از نیروگاه‌های حرارتی کشور برای تولید برق به گاز طبیعی وابسته هستند. طبیعی است زمانی که گاز کافی در اختیار نیروگاه‌ها قرار نگیرد، بخشی از ظرفیت تولید برق باید از طریق سوخت‌های جایگزین تأمین شود یا با محدودیت مواجه خواهد شد. نیروگاه‌هایی که امکان استفاده از سوخت دوم دارند، ممکن است به مصرف گازوئیل یا مازوت مجبور شوند. البته این امکان برای همه واحدها وجود ندارد و ظرفیت ذخیره‌سازی، حمل و نامساعد جوی فصل سرد سال و وقوع وارونگی هوا به تشدید آلودگی منجر شود.

البته باید به این نکته اشاره شود که کمبود گاز لزوماً به معنای قطع برق نیست، زیرا شبکه برق

